

فروردین^(۱)

ابراهم یسوع نور داود

ماه از ماههای فرس هخامنشی در آن سنگ پشته بجا مانده است از آنجاست باگ پادی که در دهم آن ماه داربوش در یکی از شهرهای ماد نامزد به ساسکات را که بنام بردیه پسر کورش بتاج و تخت هخامنشیان دست یافته بود با چند تن از همراهان بزرگش کشت^۲ دهم باگ پادی برابر است بایست و نهم ماه سپتامبر ۵۲۲ پیش از میلاد مسیح یعنی هفت روز پیش از آغاز پائیز یا زمستان بزرگ.

باگ پادی یعنی ماه ستایش بگ (= پروردگار) در روز گار خود داربوش تقویم دینی در ایران زمین رواج گرفت و ماه مهر جای نشین ماه باگ پادی گردید. جشن مهرگان بجای جشن سال نو باگ پادی بکار رفت. مهرگان در روز گار هخامنشیان جشن بسیار پرور انگیز بود بگفته کتزیاس Ktesias پزشک یونانی اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴ - ۳۵۸ پیش از مسیح) پادشاهان هخامنشی هیچگاه بیایستی مست شوند مگر در روز جشن مهرگان که جامه گرانبهای ارغوانی دربر کرده درباده بیمائی بامیخوارگان انبازی میکردند.

استرابون Strabon جغرافیا نویس یونانی که در یک سده پیش از میلاد مسیح میزیسته مینویسد: «خشنه پلون (= ساتراپ) ارمنستان در هنگام جشن مهرگان بیست هزار کره سب بر سر ارمنغان بدر بار شاهنشاه هخامنشی میفرستاد»^۳ برابر جشن آغاز زمستان، فروردین که هنوز پادشاه است جشن آغاز تابستان بزرگ است چون این جشن هم شباهت دینی دارد تا گزیر باید برای بی بردن بچگونگی آن بنامه دینی ایران اوستا بپردازیم.

تخت و ایزه جشن: در اوستا سن در اساکرت یعنی در پهلوی بزرگن بمعنی ستایش و پرستش است از مصدر بزرگ در اساکرت بیج و در فرس هخامنشی بد و در پهلوی بشتن گویند. در آمده است فعل بد را در نام ماه باگ پادی دیدیم جشن فارسی و سن اوستائی یکی است^(۴) چون نوروز مانند همه بندهای باستان دینی بوده و روز ستایش و نیایش آرا با واژه جشن آورده. جشن نوروز و جشن جمشیدی گفتند. اما جمشید که بنیاد جشن سال نو را از او قائلند یکی از پادشاهان پیشدادی است. شهر یاری است داستانی نه تاریخی در اوستا چنانکه در وید نامه دینی برهمنان نیز چنین کسی است. در داستان ما بنیاد بسیاری چیزها بدو پیوسته اند: مانند نرم کردن آهن و از آن ابزار جنگه ساختن و ازبشم و کتان و ابریشم جامه بافتن و از خاراسیم وزر بر آوردن و از دریا گوهر بدست آوردن و از گیاه بوهای خوش بیرون کشیدن و رنگهای کوناگون پدید آوردن و از برای هر درد درمان جستن و کشتی باب انداختن و از کشوری بکشور دیگر شتافتن و جز آن در ردیف اینها جشن آغاز سال را هم بدو پیوسته اند چنانکه جشن سده که پنجاه روز و پنجاه شب پیش از نوروز است بگفته ابوریحان بیرونی در التفتیم از فریدون بیاد کار مانده اما

بیش از موضوع سخن برداختن باید یاد آور شویم که در ایران باستان سال رادو بجهت هفت ماه را تابستان و پنج ماه دیگر را زمستان میدانستند. تابستان را هم و زمستان را بزم مینامیدند^۵ همچنین از برای زمستان واژه آبوی گام که بمعنی سال هم آمده در اوستا بسیار بکار رفته است.^۶ از بهار و پائیز سخنی در میان نیست جز اینکه از برای فصل سبز و خرم و واژه زریمه موجود است.^۷

بخش سال بجهت فصل فقط در نوشتنهای پهلوی دیده میشود از آنجاست بنامه پهلوی بندهش که در باب ۲۵ قفرت ۷ گوید: «از هر مزد روز در فروردین ماه تا ایران روز در مهرماه هفت ماه تابستان است و از هر مزد روز در آبان ماه تا اسفند ماه و انجام پنجوه (خمسه مسترقه) پنج ماه زمستان است» باز در همان باب از بندهش در قفرت ۲۰ گوید: «فروردین، اردیبهشت، خرداد بهار است؛ تیر، امرداد، شهریور تابستان است؛ مهر، آبان، آذر پائیز است؛ دی، بهمن اسفند زمستان است»

سال دیار و بسا هم سر ذم میکنند^۸ سر ذ از ریشه واژه سرت میباشد که در فارسی سر د گوئیم سر ذ اوستائی و سال فارسی هر دو یکی است این واژه خود میرساند که سال نزد ایرانیان در سر زمستان بزرگ آغاز میشود و نوشته ابو ریحان بیرونی درباره ماههای زرتشتیان سفد گواه آن است. این دانشمند ایرانی که در سوم ذی الحجّه ۳۶۲ هجری در خوارزم بجهان آمده در دوم رجب ۴۴۰ درغزه در گذشت در آثار الباقیه^۹ که گرانمایزین سندعات مینویسد: «نخستین ماه سال نزد آنان (زرتشتیان سفد) نامزد است به نوسرد ... هفتمین ماه آنان نامزد است به فکلن نخستین روز این ماه نزد آنان جشنی است نامزد به بیم سرده معنی آن نیمه سال باشد» پیداست که سرده یعنی سال نو و نزد ایرانیان آن دیار در فصلی که آغاز بروز حرمانت آغاز میشود. پیش از نفوذ دین مزدیسنا و رواج گرفتن تقویم دینی زرتشتی سال نو ایرانیان یا ماه باگ پادی Bāgayādi آغاز میشد: داربوش بزرگ سومین شاهنشاه هخامنشی (۵۲۱ - ۴۸۵ پیش از میلاد مسیح) در سنگ پشته پشتهستان (= کتیبه بیستون) پیش آمد های چهارمین و پنجمین سال شهر یاری خود را باد میکند. لشکر کشیها و جنگها و شکستهای هموردان خود را یک بیک با تعیین روز و ماه سخن میدارد در ضمن این پیش آمدهای تاریخی نامنه

۱ - در این مقاله از تقویم ایران باستان سخن نیاوریم و نه از اخبار نوشته گان قرون وسطی درباره نوروز اگر اتفاقاً باین موضوع اشاره ای شود از برای روشن کردن چگونگی جشن فروردین است و نمودن بنیاد اصلی آن. انتقال نوروز بیه دیگر خواه بهت کیسه و خواه بواسطه تغییر سال قمری بسال شمسی موضوع دیگری است.

۲ - هم hama در اوستا برابر است با اساکرت سم sama در پهلوی هامن hāmin در آثار الباقیه ص ۲۲۴ هامن، زیم zima، زین zayana صفت است یعنی زمستانی در فارسی دی شده تبدیل زه اوستا بدال در فارسی بسیار است چون زست zašta = دست ۳ - ابوی گام aiwi, gāma در فارسی هنگام شده است

۴ - زرمیه zaremya + saredha در پهلوی سال، در زبان اوستا و فرس هخامنشی حرف لام نبوده هر یک از واژه های فارسی که دارای لام است و ریشه و بن آن معلوم است در اصل راه بوده - یار yare در آلمانی و انگلیسی year

۶ - آثار الباقیه ص ۲۲۴

۷ - Bardiya, Gaumāta, Xshathrapāvan در فارسی میشود

شهریان شهر در قدیم بجای کشور بکار میرفت چنانکه در ایران شهر یونانیها ساتراپ نوشتند. مهر در اوستا و فرس هخامنشی میترا Mithra در کتیبه های اردشیر دوم و اردشیر سوم هخامنشی پنج بار یاد شده، یکبار با عنوان بگ Baga = بگ

۹ - پای اوستائی در فارسی جیم میشود چون پانو = چادو

بنا بست دیگر که در شاهنامه یاد شده، از هوشنگ است.

زهوشنگ ماند این سده یادگار بسی باد چون او دگر شهریار
اما فروردین که در فارسی فرور و فرورد هم میگوئیم در اوستا فروشی و
در فرس هخامنشی فرودزی و در پهلوی فرو و هر آمده است (۱۰).

بسیاری از کسان در ایران باستان فروزی نام داشتند از آنانند
فروزی که هروذئس تاریخ نویس سده پنجم پیش از میلاد بنام فرانس
یاد کرده مینویسد در دیا کو میباشد و پسر دیا کو نیز چنین نامیده میشود (۱۱)
چنانکه میدانیم دیا کو سرسلسله پادشاهان ماد در سال ۷۱۳ پیش از میلاد در
مغرب ایران بنای شهر یاری گذاشت و جا نشین وی فروزی دومین پادشاه
این خاندان بشمار است. همچنین داریوش بزرگ در سنگ بشته بهستان
(= کتیبه بیستون) یکی از هموردان خود را بنام فروزی یاد میکند و
میگوید او را در ماه آدو کتی شکست دادم (۱۲).

در ریشه و بن واژه فرور = فروشی بسیار اختلاف کرده اند آنچه نزد
نگارنده درست تر است این است که این واژه از دو جزء ترکیب یافته نخست
فرو یا فرا که بمعنی بیش است در اوستا و فرس هخامنشی بسیار آمده همچنین
در فارسی در سر یکدسته از واژه ها بجا مانده چون فرزانه و فرغان و فرارقتن
و جز آن در سانسکریت پر pra و در لاپن پرو pro همین معنی است در زبانهای
کتونی اروپا بهیئت های مختلف نیز بجاست.

جزء دوم باید از مصدر و var در آمده باشد و در اوستا و فرس هخامنشی بمعنی
گروانیدن، با پیمان آوردن و دین پذیرفتن و برگزیدن و گرویدن بسیار مکرر شده
باور در فارسی از همین ریشه است. و در نیز در اوستا بمعنی پوشاندن و بپوشاندن
و پناه بخشیدن است. فروشی = فرور باید از همین دو معنی مصدر در آمده باشد چنانکه
خواهیم دید فروشی بیرونی است که از برای نگهداری آفریدگان بیک اهورا مزدا
برگماشته شده بیرونی است که همه آفریدگان بیک اهورائی از یرتو آن با بیاورند.
اینک ببینیم فروشی = فرور چیست، در اوستا از برای مردم پنج بیروی
همانی است، این بیروی پنجگانه با یکدیگر همپایه نیستند برخی از آنها بی آغاز
و بی انجام است و برخی از آنها بیست شدنی و برخی دیگر پس از سر آمدن
زندگی مردم جاودانی گردد.

نخستین بیرو اهورا دومین درئنا سومین بنوژ چهارمین او زون (۱۳)
پنجمین فروشی نام دارد.

اهو را باید بمعنی جان گرفت بایروی زندگی یا حیات غریبه، کارش
این است که تن آدمی را نگهداری کند و اعمال آن را بنظم و نسق طبیعی بگمارد
این بیرو باید هستی باید و با آن نبود شود بنابر این آرا آغاز و انجامی
است و در میان بیروهای آدمی پست ترین بشمار است، درئنا که در فارسی دین
شده در همه جای اوستا بمعنی کیش و آئین نیست بسا بمعنی جس و وجدان و
هویت باطنی و تشخیص معنوی است (۱۴) درئنا بیرونی است است از بیروی مستقل

۱۰ - فروشی Fravashi در پهلوی فروهر Fravahr شده در فارسی فرور
(فروهر Fruhar درست نیست) در این مقاله در همه جا فرور خواهیم نوشت.

۱۱ - هروذئس Herodotos 1, 102, 1, 96, 1 پوزانیس Pausanias 4, 24, 2

۱۲ - آدو کتی adukani

۱۳ - urvan, baodha, daēnā, ahū

۱۴ - دین فارسی است زبانی با دین سامی ندارد نگاه بدومین جلد پشتهها گزارش
(= تفسیر) نگارنده س ۱۰۹.

از جسم فنا ناپذیر، آن را آغاز و انجام نیست.

این بیرو آفریدگار در باطن آدمی بودیعه گذاشته نامهاره اورا از بیکی
ویدی آگاه سازد اگر آدمی آواز آن نشنید و بگردار نشناخت آلوده گردید
از آن گناه بدامن پاک این بیروی ایزدی گرد آلاش نشیند جز اینکه افسرده
و اندوهگین بعالم بالا روی کند، از مرگ گردنی بیایه جاودانی آن نمیرسد
بنوژ که در پهلوی بوژ و در فارسی بوی گوئیم بیروی در آگاه و فهم
آدمی است موظف است که حافظه و هوش و قوه معیزه را اداره کند تا اینکه
هریک تکلیف خود بجای آورده بدن را خدمت کنند این بیرو که گویا بابدن
بوجود آمده پس از مرگ و زوال جسم زوال نپذیرد بلکه بروان پیوسته
بجهان جاودانی شتابد.

اوردون همان است که در فارسی روان شده بیرونی است مشول کردار
مردمان چون انتخاب خوب و بد با اوست ناگزیر در سرای دیگر کردار
پسندیده و نکوهیده از او بازخواست خواهند شد. روان راست که آنچه بیک است
بگردد پس از مرگ بحسب انتخاب خوش پاداش و پادافرا باید، اگر بیکی
برگزید در بهشت در آید اگر بدی برگزید بدوزخ دچار آید.

پنجمین از این بیروها فروشی = فرور بیرونی است که از ساحت قدس مزدا
برای نگهداری همه آفریدگان بیک بجهان فرستاده شده این فرستاده مینوی
ایزدی را کار این است که مردمان را از هنگام بسته شدن علقه در شکم مادر تا پسین
دم زندگی و فرا رسیدن مرگ نگهداری کند.

در نامه دینکرد پهلوی گوید: «آنگاه که زرتشت از مادر بزاد دیوها
(گروه پروردگاران پیش از زرتشت) خواستند او را نابود کنند اما فرور
زرتشت بیک مرد دلیری در آمده او را پاسبانی کرد»

پس از جدا شدن روان از کلید فرور بسوی عالم بالا گراید و همان
پاسکی ازلی خویش بجا ماند چنانکه پس از این خواهیم دید با سورت جسمانی
ترك علاقه نمیکند و هر سال در آغاز فروردین بس کشی خان و مان دیرین و باز
ماندگان از جهان مینوی بسوی زمین فرود آید.

داشتند. این ابرایان پیش از آفرینش جهان فرورها آفریده شدند عالم فرور
آنگاه که در نوشتههای دینی پهلوی یاد شده، در هنگام سه هزار سال دوام
داشت پس از سر آمدن این دوره روحانی، کیتی با آنچه در آن است، از نیک
و نقر، از روی سور مینوی فرور ها ساخته شدند و آنچه پس از این پا
بدائرة هستی گذارد، نیز از همین سور مینوی پدیدار خواهند گشت. نخستین
فرور پس از آفرینش نخستین بشر از آسمان فرود آمد و پسین فرور پس از
ظهور موعود مزدیسنا که هنگامه رستاخیز و انجام زندگی مادی است فرود
خواهد آمد.

درینا که یکی از بخشهای اوستا است در فصل (= ها) ۲۶ پاره ۱۰

آمده، فرورهای مردان پاک را میستائیم و فرورهای زنان پاک را میستائیم
همه فرورهای نیک توانای پاک پارسایان را میستائیم از کیومرث تا سوشیانت

۱۰ - فصول هر یک از بخشهای اوستا را بنام ویژه خود چنین خوانند، «ها» بجای
فصل در ستا، «کرده» از برای فصل پشتهها، «فر کرده» از برای فصل وندیدار

پیروز کر،^{۱۶} بگفته نامه بهلوی بندهش پیش از اینکه اهورا مزدا بعالم فرور ترکیب مادی دهد و کیتی بدید آورد با فرور ها مشورت کرد و آنها را آزاد و مختار گذاشت که جاویدان در جهان مینوی بمانند و باکالید جسمانی در آمده چند جنود اهریمن (= خرد خیت و تیره) بجنکند، فرور ها پذیرفتند که در جهان مادی با بدی اهریمنی ستیزند چه دریافتند که در سر انجام پیروز خواهند شد بدی از کیتی سپری خواهد گردید؛ لیکن وزندگی جاوید روی خواهد نمود. نه اینکه فقط آدمی را فروری است که بیاسبانی وی گماشته شده بلکه در هر يك از آفریدگان يك این نیرو نهاده شده آنچه آنان که اجسام سماوی و آتش و گیاه و جانوران سودمند را نیز فرور مخصوصی است حتی خود دادار و فرشتگان و همه ایزدان را فروری است. در وفد بداد که بخش دیگری است از اوستا در فصل (= فر کرد) ۱۹ یاره ۱۴ اهورا مزدا بیغمبرش زرتشت گوید: «فرور مرا که اهورا هستم بیاری بخوان» جز اینکه فرور اهورا مزدا بزرگتر و زیباتر و پایدارتر و باهوش تر و رساتر و پاک تر از فرودهای دیگر خوانده شده است آنچه در جهان زیرین و زیرین است همه را فروری است.

ناگزیر نویسنده یونانی دیوژانس لرتیوس که حدود ۲۱۰ میلادی میزیسته در جائی که مینویسد بعقیده ایرانیان سراسر آسمان پر از فرشتگان است از فرورها چیزی شنیده یا خوانده بود زیرا فرشتگان بزرگ زرتشتی را که امشاسپندان نامند پیش از هفت بستند و ایزدان این آیین نیز معدوداند از شمار سد نمیگذرد.

عقیده فرور کمایش بعقیده اقوام دیگر شباهت دارد؛ بابلها اعتقاد داشتند که هر کس را خدای مخصوصی است که او را نگهداری میکند و هر کس فرزند خداست، بهودها قائل اند که ارواح اسرار ا خداوند پیش از آفرینش جهان بیافرید آنچه آنان که سوشیات نزد ایرانیان پسین آفریدگان مزدا خواهد بود، مشیاه یعنی مسیح زردنی اسرائیل آخرین روحی خواهد بود که خداوند بقالب آدمی خواهد دمید پیش از بیکر هستی باقن همه ارواح، مشیاه ظهور نخواهد کرد این است که عیسی مسیح را بهودیان پذیرفتند. بسیاری از دانشمندان نوشته اند که عقیده فرور ایرانیان بشکل و هیئت دیگر داخل دین یهود گردیده و از آنجا بادبان دیگر سامی رسیده است در انجیل در کتاب متی باب هجدهم قمره ۱۰ و کتاب اعمال رسولان باب دوازدهم قمره ۱۵ می بینیم که از برای انسان ملک و فرشته مخصوصی قائل شده اند آنچه آنان که جای تردید نیست فقط اسم فروری اوستا بملک تبدیل یافته باشد باوجود آنکه شباهتی که عقیده فرور با عقیده بلرواح ادیان دیگر دارد آن را باید از خصایص دین ایرانیان دانست براسنی در هیچ دینی همانند آن را سراغ نداریم چنانکه گفتیم فرور نزد ایرانیان غیر از روان یا روح است.

بسیار دور بنظر میآید که افلاطون فیلسوف معروف یونانی که در سال

۴۲۷ تولد یافت و در ۳۴۷ پیش از میلاد در گذشت در فلسفه خویش در زیر نفوذ مزدیسنا باشد بویژه در آنچه میگوید هر يك از اجسام را يك صورت ذهنی ومعنوی موجود است از فرور ایرانیان آگاه باشد بگفته وی نه اینکه فقط مردم و آتش و آب را چنین صورت باطنی موجود است بلکه بیکوئی و خوبی و داد گستری نیز دارای چنین صورت ذهنی است. صورت ذهنی که فیلسوف نامبرده آنرا ایده idea نامیده نمونه و سرمشق (paradigma) همه چیز هست با عبارت دیگر صورت ذهنی که دارای وجود حقیقی است طرح اشیاء غیر حقیقی است اشیاء موجود مادی تقلیدی است از صورت ذهنی که قدیمی و جاودانی و غیر مرئی است آنچه تقلیدی است در معرض تبدیل و تغییر است پس هر چیز را در عالم دو جزء است جزء ازلی و ایزدی و جزء فنا پذیر مثلاً روح انسانی که جزء جاودانی است پیش از ترکیب جسم وجود داشته و در صورتی که پاک و بی آلایش مانده باشد دیگر باره بعالم بالا بر گردد و بمقام اولی خود رسد و بزندگی جاوید بیوندد.

این فلسفه کاملاً یادآور آیین ایرانیان است جز اینکه فروشی اوستا به ایده idea یونانی تغییر یافته است. چنانکه میدانیم افلاطون که زرتشت را آورده آیین موع دانسته و آنرا بهترین طرز ستایش خوانده در بسیاری از موارد در فلسفه خود با تعالیم دین زرتشتی سازگار است همچنین شاگردان وی چون ارسطاطالیس و اُدکسوس و هرمدُوس از زرتشت و آیین موع که همان دین زرتشتی مراد است کم و بیش یاد کرده اند و آنرا ستوده اند (۱۷)

پس از آنکه دانستیم فرور چیست اینک بیستم تخصیص باقن جشنی بان از کجاست.

ایرانیان هر يك از دوازده ماه سال را بی کم و بیش سی روز بشمار میآوردند که روبهمرفته ۳۶۰ روز میشد. هر يك از روز های ماه بشام یکی از ایزدان نامزد بود چون هرمزد روز و همن روز و آردبیهشت روز و جز آن بر خلاف ماههای فرس هخامنشی با شمار معین میشده چون دهم باگ بادی و دوم اَلامَک و بیست و پنجم اَدوکتی و جز آن.

برای اینکه سال خوشیدی درست دارای ۳۶۵ روز باشد در انجام سال یعنی پس از اعتقاد ماه پنج روز میافزودند این کیبسه سال را که در تازی حنه مسترقه گفتند در فارسی پنجه دز دیده و پنجه و پنچوه و گاه و اندر گاه و بهیزک خوانند (۱۸) همچنین این پنج روز یا یان سال راروزهای گانه نامند یعنی که بهر يك از این پنج روز نام یکی از سرودهای گانه که از سرود های خود بیغمبر زرتشت است داده اند اینچنین: آهزود گاه، آشتود گاه، سیتند گاه، وهوخشر گاه، وهیشوایش گاه (۱۹). چون سال حقیقی سیصد و شصت و پنج روز و یک ربع است لازم میآمده که در هر چهار سال يك روز دیگر بیفزایند در نامه بهلوی دینکرد گوید در هر چهار سال ده روز و دو هر صد و بیست سال يك ماه باید افزود اما این بهیزک پیش از کامل شدن يك ماه تمام گرفته نمیشد (۲۰) در روز کار

۱۷- نگاه بنسخه جلد سنا گزارش نگارنده ص ۷۵ و ص ۱۹ Eudoxus Hermodoros
 ۱۸- در فرهنگهای فارسی بهترک نوشته شده و هیزک درست است برابر و هچک در بهلوی. ۱۹- در خود اوستا پنج سرود گانه چنین نامیده شده، آفون ویشنی ahuna vaiiti اوش ویشنی ushtavaiti سیتامیشنی Spentā mainyū و هوشتر vahishtō-ishti و هیشوایشنی Vohu-xshathra
 ۲۰- Dinkard by Sanjana vol. IX p. 562-568

۱۶- کیومرث در اوستا که مرتن Gaya Maretan نخستین بشر است یعنی جاندار در گذشتی بجای آدم ابوالبشر سامی. در شاهنامه کیومرث نخستین پادشاه پیشدادی دانسته شده زرتشتیان است که هوشنگ نخستین پادشاه دستانانی باشد چنانکه در اوستا هوشنگ Haoshyan gha با صفت پرذات Paradhata یعنی قانونگذار پیشین که در فارسی پیشداد شده نخستین پادشاه است نگاه بجلد اول پشته ص ۱۷۸ گزارش نگارنده. سوشیات یا سوشیاس Saoshyant موجود دین مزدیسناست پس از ظهور وی رستگاری و آغاز زندگی مبنوی است.

نخستین یزد کرد ساسانی (۳۹۹-۴۲۰ میلادی) دستور یزد کرد هزاری از کورده اسطخر تقویم را مرتب ساخته يك سال سیزده ماهی گرفتند (۲۱) نام هر يك از روزهای ماه که با نام همان ماه برابر میشود نزد ایرانیان جشنی بوده (۲۲) اینچنین: فروردین روز که نوزدهم ماه باشد در فروردین ماه جشن فرردگان: مهر روز (شازدهم) در مهر ماه جشن مهرگان: بهمن روز (دوم) در بهمن ماه جشن بهمنگان = بهمنجته و جز آن هر يك از این جشنها را با آداب مخصوص خود بجای میآورند مثلا در جشن فروردگان که جشن مردگان است بدخه میرفتند و در پرستشگاه بخور میدادند و مراسم دینی بجای میآورند موبدان با نذران میوه و گل بمراسم آفرینندگان میرداختند. این جشن شبیه است بعیدتوسن Toussaint نزد عیسویان کاتولیک که در اول ماه نوامبر عید اموات شمرده میشود و از در گذشتگان یاد نموده کورهای آنان را با گلها میآراهند. از این جشنها گذشته در طی ۳۶۵ روز سال شش جشن بزرگ داشتند امروزه هم زرتشتیان ایران و پارسیان هند مانند پارسیه در این شش هنگام جشنهای بزرگ میآرایند نامهای این جشنهای ششگانه در خود اوستا مکرراً یاد شده است در نوشتهای پهلوی و بازند چنین خوانده میشود: میدیوزم: میدیوشم: یتیهیم: ایاسرم: میدیازم: همیتدم (۲۳) روزهای شش گهنبار در همه نوشتهای دینی زرتشتی معین شده و در خود اوستا در قطعه ای که آفرینندگان گهنبار نام دارد در فقرات ۱۲-۷ با تعیین ماه و روز و فاصله های آنها از همدیگر چنین آمده: « میدیوزم در اردیبهشت ماه در دی بهم روز (پانزدهم) میباشد و از آغاز سال تا پایان جشن چهل و پنج روز است: دومین گهنبار میدیوشم در تیر ماه در دی بهم روز میباشد (۲۴) و از نخستین گهنبار تا پایان جشن شصت روز است: سومین گهنبار یتیهیم در شهریور ماه در ایران روز (سیام) میباشد و از دومین گهنبار تا پایان جشن هفتاد و پنج روز است چهارمین گهنبار ایاسرم در مهر ماه در ایران روز میباشد و از سومین گهنبار تا پایان جشن سی روز است: پنجمین گهنبار در دی ماه در بهرام روز (بیستم) میباشد و از چهارمین گهنبار تا پایان جشن هشتاد روز است: ششمین گهنبار همیتدم در پسین روز ایدر گاه (= پنجمه) در وهشتواشت روز (روز آخر سال) میباشد و از پنجمین گهنبار تا پایان جشن هفتاد و پنج روز است: ششمین گهنبار بر این نخستین گهنبار در چهل و پنجمین: دومین در صد و پنجمین: سومین در صد و هشتادمین: چهارمین در دوست و دهمین: پنجمین در چهل و نهمین: ششمین در سیصد و شصت و پنجمین روز سال میآید.

در هر يك از این گهنبارها پنج روز جشن است اینچنین: در اردیبهشت ماه خورشید روز و ماه روز و تیر روز و گوش روز و دی بهم روز یعنی از یازدهم تا پانزدهم جشن میدیوزم است روز مهم روز آخری است چهار روز دیگر

۲۱ - آنرا ایاتی س ۴۵
 ۲۲ - پیر ماهی آروز که هنامش باشد او را جشن دارند، نگاه به التفهیم بیرونی س ۲۵
 ۲۳ - در اوستا چنین آمده: میدی یوشی زرمیه Maidhyōi Zaremaya
 میدی یوشی شم Maidhyōi . shema ییشیش مهیه Paitishahya ایانهریم -
 Ayāthrima میدی یایریه Maidhyairya سیههدهه Hamaspathmaēdaya
 در آنرا ایاتی س ۲۱۹ این نامها در کون یاد شده است
 ۲۴ - ایندی در اینجا ازوزنه اوستایی دتهوش dathush میباشد که یعنی آفریدگار است از مصدر da دادن آفریدن یعنی با دی یعنی زمستان که دو یاد داشت شماره ۲ گذشت ندارد.

روزهای مقدماتی جشن است همچنین است جشنهای دیگر. درست هر يك از این شش گهنبار هنگام بیدایش یکی از آفریدگان اهورا مزدا دانسته شده است چنانکه در تورات در سفر بیدایش در باب اول و دوم آمده که خداوند در شش روز آسمانها و زمین و روشنائی و آب و گیاه و خورشیده و ماه و ستارگان و جانوران و مردمان بیافرید و در روز هفتم از کار آفرینش بیاسود در مزیدسنا نیز آفرینش مزدا در شش هنگام سال یا پایان پذیرفت. در گهنبار میدیوزم آسمان و در میدیوشم آب و در یتیهیم زمین و در ایاسرم گیاه و در میدیازم جانوران و در همیتدم مردمان آفریده شدند (۲۵) در گزارش پهلوی (= زند = تفسیر) آفرینندگان گهنبار که نام برده از این آفرینشها در هنگام شش گهنبار سال یاد شده است همچنین در آغاز فصل ۲۵ نامه پهلوی بندهش آمده « آفرینش جهان از من اهورا مزدا در سیصد و شصت و پنج روز که شش گهنبار سال باشد انجام یافت ».

در اینجا باید بگوئیم که « یهو » خدای بنی اسرائیل در کار آفرینش اندکی شتاب کرد، جهای زیرین و زمین را با آنچه در آسمان در شش روز پدید آورد اما اهورا مزدا آفریدگار ایرانیان در کار آفرینش بیشتر بینهشید. گفتیم پس از در گذشتن مردمان فرورهای آنان از تنها جدا گشته بسوی جهان زیرین گرایند بهمانجائی که از برای نگهداری مردمان فرود آمده بودند، بر گردند اما هیچگاه بیوند خود را با جهان خاکی نکسند، همواره باسما و نگهدار مردمان باشند، در هر سال یکبار از آرامگاه مینوی خود از برای سرکشی خان و مان دیرین و دیدار بازماندگان بسوی زمین آیند، در همان هنگامیکه آفریدگار مردم بیافرید و فرور وی فرو فرستاد باز در همان هنگام که در همیتدم گاه باشد یعنی روزهای آخر سال، فرورهای مردگان یابن آیند. در فروردین یشت که از سروده های بسیار دلکش اوستا است درباره ۴۹-۵۰ گوید: « فرورهای نیک توانای پاک یاسیان را عیسنا تیه که در همیتدم گاه از آرامگاههای خویش بیرواز در آمده فرود آیند در هنگام ده شبین در بی در اینجا بمانند، از برای آگاهی یافتن: - کی مارا خواهد ستود، کی ما را خواهد ستانند، کی میسراید، کی خوشنود میکند، که با دست دهنش شیوا و جامه را گرفته مارا میبذیرد، و با آن بخشایشی که از بر تو آن بفروغ راستی رسند، در این میان نام کدام يك از ما بزبان خواهند راند، در این میان از این کدام يك از ما ستوده خواهد شد، کدام يك از ما باین دهنش بر خوردار خواهد گردید تا باو خورش جاودانی ارزانی گردد؟ کسی که آنها را بیلزارد با دست دهنش و با شیر و جامه و با آن بخشایشی که از بر تو آن بفروغ راستی رسند، بنوازد، آن فرورها درخواست کنند - که خان و مان آنکس از چار پایان و مردان بهر، همد باد، آنکس از اسب نیز نلشود گردونه استوار بر خوردار باد، آنکس که مارا با دهنش شیر و جامه دریافت، هماره یابدار و زبان آورماناد، چنانکه گدیده میشود در خود او سقاده شیار روز مدت گذراندن فرورهاست در هنگام همیتدم باین جهان، این ده شبان روز عبارت است از شانزده روز (بیست و ششم) اسفندماه تا وهشتواشت گاه که پنجمین روز بهیزک (= کیسه) است

۲۵ - ابو ربان در التفهیم مینویسد، « روز کار سال یازده ها کرده است زرا دشت و گفته است که پیر یاری ایزد تعالی گونه ای آفریده است چون آسمان و زمین و گیاه و جانور و مردم، تا عالم بیالی تمام آفریده شد و باول هر یکی از این یازده ها پنج روز است، نامشان گهنبار»

ابورحمان بیرونی درباره جشن همبستم که گهنبار آخری است میگوید: این جشن ده روز طول میکشید (۲۶) نویسنده نومی مناندر پروتکتور Menander Protector میگوید: ابوشروان در مدت ده روز سفر ژوستین دوم را که در چهاردهم نوامبر ۵۶۵ بتخت نشست نزد خود پذیرفت برای اینکه در کار بجای آوردن آیین جشن فروردین بود.

از آنچه گذشت پیداست که نام جشن فروردین در ماه فروردین در دیدشانی تابستان بزرگ بمناسبت فرود آمدن فرورهای در گذشتگان است بروی زمین. رسم و آئینی که در این هنگام بجای میآوردند و هنوز هم بجای آورده میشود همه از برای پذیرائی این مهمانان مینوی است. خانه از آرایش پرداختن، بگل و سبزه آراستن، بوی خوش بخور دادن، رخت نوبه بر کردن، شیرینی و آشام خوش بر سر خوان نهادن، ستایش و نماز گزاردن و باز آیین چیز بخشیدن مایه خوشنودی فرورهاست آنچه که پس از برگشتن برای مینوی خوش از درگاه مزدا خواهند درخواست که همراه خان و مان دیرین شان خوش زیند و بیوسته کامروا مانند و از آنچه مایه زندگی است برخوردار شوند.

از فقرات ۴۹ - ۵۲ فروردین پشت بخوبی پیداست که اگر فرورهای نیاکان خانه و کثافته خود را پس از ده روز بازرسی آنچه که باید بیافتنند و بازماندگان را از داد و دهش بی بهره دیدند آزرده برای مینوی بر میگرددند پس از دانستن چگونگی فرور بی بردن بمعنی یک رشته مطالب نو پیشندگان در باره فروردگان آسان است از آنهاست خبر بیرونی: «در هنگام فروردگان در سراج مردم و بام خانه برای پذیرائی از ارواح خودش می نهند و بوی خوش بخور میدهند و آشام فراهم میکنند» (۲۷).

برای دریافتن اهمیت فرورد که جشنش بگانه جشنی است که راه چندین هزار ساله پیموده بما رسیده یاد کردن چند باره اثر نامه کهن سالی اوستا

درسراسر اوستا و همه نوشتههای دینی بهلوی و یازده از فرورد (۲۸) قر و شنی با اندازه ای سخن رفته که در یک مقاله نکمجد گذشته از فقرات پیشمار اوستا که در آنها این نیروی ایزدی یاد شده، سراسر فروردین پشت، چنانکه از نامش پیداست، در ستایش فرورهاست همچنین در پنا (۲۹) فصل (۳۰) بیست و سوم و فصل بیست و ششم از این فرورهاست. فروردین پشت که دارای ۱۸۵ پاره است سرودی است که در همبستم گاه که هنگام فرود آمدن فرورهاست خوانده میشود. در این سرود بسیار بلند فرور بیش از سیصد پادشاهان و ناموران و بلان و لیکن و یارسایان یاد گردیده و بهر یک درود فرستاده شده است در میان آنان نامهای گروهی از زنان و دختران پارسا و نامور نیز دیده میشوند

۲۶ - ابورحمان در آثار الباقیه ص ۲۲۴ و در التفهیم ص ۲۵۶ جشن همبستیدیکام را از اشتاد روز آبانماه و نیز روز آذر گاه (حسه مسترته) که میان آبانماه و آذرماه است یاد کرده است.
۲۷ - آثار الباقیه ص ۲۲۴ و التفهیم ص ۲۵۶.

فهرست بلند این نامهها میرساند که در این جشن فرور همه در گذشتگان حاضرند و در میان آنان فرور نامداران و یارسایان پس از بر شمرده شدن نامهای پاکان و یارسایان درباره های ۱۴۳-۱۴۵ فروردین پشت فرورهای پاکان سراسر ایران زمین و کشورهای دیگر ستوده شدهاند.

نظام جهان زبرین و زبرین سپرده بفروران است، فروران قوه محرکه دو کیتی هستند آنچه که هیچیک از آفریدگان نیک مزدا از آنها بی نیاز نیستند در نخستین باره های فروردین پشت از زبان مزدا بزرگداشت گفته شده: فرورهای لیکن در کار آفرینش مرا یاری کردند، از پرتو آنان است که آسمان و زمین و آنچه در روی آن است از رودها و گیاهها و چار پایان و مردمان پایداراند، فروراند که بیجان را در شکم مادران نگهداری کنند و این چنین خواهد بود نادامته رستاخیز روزی که مردگان را بر انگیزم و دیگر باره اندامهای آنانرا بهم پیوندم اگر فرورهای لیکن بودند نه کیتی پایدار ماندی، نه مردم و چاربا، سراسر جهان گرفتار دبو دروغ شدی. بیاری فرورهاست که زن بیخشایش فرزند رسد و باسانی زاید، از فرورهاست که مرد گشاده زبان و شیرین گفتار گردد، از فرورهاست که خورشید و ماه و ستارگان راه خویش بیابند، از پرتو فرورهاست که آب روان گردید و گیاه بالیدن گرفت و جانور بجنبش درآمد، پیش از دمیدن فرور همه آفریدگان بی نوش و توان بجای خود ایستاده بودند.

در همه نشو و نماها و آسبها و بیعاریها و هر اسها باید از فرورهای لیکن چاره نوشتگیری و خواست، دایران و بلان در بهنه کارزار، باید فرورهای دایران را بیاری بخوانند فرورهای ناموراند که خود بر سر نهاده و سپردوش انداخته و خنجر بچنان بسته بر زمکاه شتابند و بدشمنان از چپ و راست روی آورده شکست دهند، کشاورزان راست که از برای آبیاری کشت زار دست نیاز بسوی فرورهای پاکان برانند، آیکاه که آب از دریا بر خیزد صدها هزارها، ده هزارها فرور بشکایو افتاده میکوشند که آب بر بخشایش را بکشت زار خانواده و ده و روستای خود بکشند از باران سیراب سازند.

فروران بودند که در گذشته ایرانیان را پیروز مند و کمر و اساختند و آنان را بدشمنان تورانی چیر کردند، آنانند که خاندانی را شادمان و خوشبخت سازند اگر خوشنودی آنان را در کار و کوشش و درستی و راستی و دهش و جوانمردی فراهم آوردند.

از این مختصر میتوان دانست که جشن فروردین که هنگام فرود آمدن فروران است نزد ایرانیان چه اهمیتی داشته و تا چه اندازه از برای خوشنودی آنان میکوشیدند. در انجام باید بگوئیم که از برای آنچه بدو نکوهید است فرور قائل نشدهاند (۲۸).

۲۸ - اگر بتوضیح بیشتر ازین نیازی باشد نگاه کنید بجلد نخست پشتهاس ۵۸۲-۶۰۲ و بجلد دوم پشتهاس ۵۹-۱۱۱ جلد خرده اوستا ص ۲۰۴-۲۱۴ و ص ۲۱۹-۲۲۳ و جلد نخست پستا ص ۲۲۰-۲۲۱ و ص ۲۲۷-۲۲۹ گزارش (= تفسیر) اوستای نگارنده.